

که امکان ندارد کسی بتواند با آن گذران زندگی کند.

حداقل حقوق تعیین شده برای سال ۱۳۹۶ تقریباً یک چهارم حداقل خط فقری است که خود مسوولان به آن اذعان دارند.

با این وجود، همه می‌دانیم که بسیاری از صاحبان سرمایه با سوءاستفاده از وجود فقر و بیکاری حقوق‌هایی بسیار کمتر از آن هم می‌پردازند، به خصوص به کودکان، زنان و کارگران مهاجر و ...

ویژگی‌های حداقل دستمزد:

در توافقنامه شماره ۱۳۱ و توصیه نامه شماره ۱۳۵ سازمان بین‌المللی کار ILO (که خود یک نهاد سرمایه‌داری است) برای تعیین حداقل دستمزد، معیارهایی پیش‌بینی شده که به موجب آن باید سطح زندگی کارگران علاوه بر رفع نیازهای معیشتی و تامین اجتماعی، واجد استانداردهای زندگی در همان جامعه باشد.

در قانون کار ایران هم گفته شده حداقل مزد بدون این که مشخصات جسمی و روحی کارگران را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه‌ای باشد که زندگی یک خانوار ۴ نفره را تامین کند. البته نباید یادمان برود که قانون کار موجود هم هم توسط دولت و برای مدیریت روابط میان



دستمزد

دستمزد

دغدغه مزد و حقوق بگیران

سوال اصلی هر مزد و حقوق بگیر در اول هر ماه این است که چگونه با آنچه به عنوان دستمزد دریافت می‌کند مخارج زندگی خود و خانواده‌اش را تا پایان ماه سر و سامان دهد. انگار غول تورم با سرعت زیاد دنبال قیمت‌ها کرده و این سرعت به حدی است که افزایش حقوق رسمی به گرد آن هم نمی‌رسد.

دستمزد در واقع سهم نیروی کار است از کالای تولید شده یا خدمت ارائه شده که باید با این سهم زندگی خود و خانواده اش را تامین کند. معمولاً این سهم به صورت نقدی و غیر نقدی پرداخت می‌شود و هیچ‌گاه به اندازه‌ی ارزشی نیست که آنان تولید کرده اند...

هر ساله در اسفند ماه حداقل حقوق تعیین می‌شود ظاهراً برای این که هیچ‌کس مزدی کمتر از آن نگیرد و معمولاً مقدار آن آنقدر ناچیز است

روز جهانی کارگر گرامی باد

ماده ۴۱ قانون کار، شورای عالی کار را موظف کرده که هر سال به نسبت نرخ تورم واقعی میزان حداقل مزد کارگران را تعیین نمایند. اما هر سال چندین نرخ تورم اعلام می‌شود که حداقل حقوق بر مبنای کمترین آن اعلام می‌شود. معمولا افزایش قیمت‌ها که نشان از تورم دارد، بعد از اعلام حداقل حقوق صورت می‌گیرد. افزایش برق، آب و سایر خدمات دولتی یا افزایش قیمت بنزین که بلافاصله تاثیر خود را در افزایش قیمت همه کالاها نشان می‌دهد.

آن وقت کارگران، معلمان و همه مزد و حقوق بگیران مجبورند یک سال را با حقوق و دستمزدی سر کنند که مطابق با کمترین نرخ تورم اعلام شده پیش از این افزایش قیمت‌ها تعیین شده است. نتیجه چه می‌شود؟ کارگران و زحمتکشان مجبورند دو یا سه شیفت کار کنند، دیگر هزینه خانواده با حقوق یک نفر تامین نمی‌شود پس کودکان، زنان نیز به بازار کار روانه می‌شوند و با مزدهای بسیار اندک مشغول به کار می‌شوند. هر چه تعداد داوطلبان کار زیادتر شود، دست سرمایه‌داران برای پرداخت حقوق‌های کمتر بازتر می‌شود. زیرا در مقابل هر اعتراضی اعلام می‌کنند: "همینه که هست. نمی‌خواهی برو، ده نفر پشت در کارخانه منتظرند و با حقوقی کمتر از این که به تو می‌پردازم، حاضرند کار کنند"

نیروی کار و کارفرمایان تنظیم شده است و تا آن اندازه‌ای منافع کارگران را در نظر گرفته که آنان باز هم توان کار کردن و تولید کالا را داشته باشند تا سود سرمایه‌داران و کارفرمایان تامین شود.

حداقل دستمزد باید به اندازه‌ای باشد که یک خانواده کارگری بتواند اجاره مسکن، هزینه تحصیل فرزندان خود را به راحتی تامین کند. علاوه بر آن امور پزشکی، درمانی، تغذیه مناسبی را تامین نماید که سلامت آنان را برای ادامه زندگی به همراه داشته باشد. یک خانواده کارگری هزینه‌هایی نظیر پوشاک، هزینه ایاب و ذهاب و همچنین تفریحات ضروری و ... هم دارد که صد البته باید تامین شود و هم چنین آنان باید بتوانند اوقات فراغت لازم برای آموزش‌های اجتماعی و فرهنگی را هم داشته باشند.

پس چرا این حداقل اینقدر کم تعیین

می‌شود؟

دلیل اصلی آن است که سود صاحبان سرمایه باید تامین شود. حقوق‌های ده‌ها و صدها میلیونی آنان باید پرداخت شود. هزینه سفرهای تفریحی و ماشین‌های گران قیمت آنان باید پرداخت شود. سرمایه‌داران به هر ترتیب می‌خواهند کمترین مبلغ را بپردازند. سوال بعدی این است که چگونه این کار را انجام می‌دهند؟

بخش از صنعت و خدمات در می‌یابیم که هزینه دستمزد و حقوق‌ها درصد بسیار کمی از قیمت تمام شده یک کالا را تشکیل می‌دهد. بخش بزرگی از قیمت بالای کالاها سهم واسطه‌ها و دلالتان است.

اما تعیین حداقل حقوق تنها راهی نیست که از آن طریق سرمایه‌داران و صاحبان شرکت‌ها و کارفرمایان کمترین مبلغ را به نیروی کار می‌پردازند. چند پاره کردن دستمزد یکی دیگر از این راه‌هاست.

اگر نگاهی به فیش‌های حقوقی ببینیم، مواردی مانند مزد ثابت یا پایه حقوق، حق جذب، فوق‌العاده شغل، کمک هزینه مسکن و خواربار، حق اولاد، فوق‌العاده سختی کار، پاداش سالانه، اضافه‌کار، حق ماموریت و ... را می‌بینیم

در اسفند ماه هر سال معمولاً تنها یک بخش از دستمزد که مزد ثابت یا پایه حقوق محسوب می‌شود، افزایش پیدا کند و نه همه دستمزد. بنابراین حتی اگر نرخ تورم سالانه به درستی اعلام شود و به همان نسبت هم به دستمزد اضافه شود باز هم بخش‌های قابل توجهی از دستمزد که نام‌های دیگری دارند افزایش نمی‌یابد و در مجموع افزایش دستمزد نسبت به تورم عقب‌تر می‌ماند. در نتیجه فاصله حقوق کارگران هر روز با خط فقر بیشتر و بیشتر می‌شود.

با این حال همواره سرمایه‌داران و حامیان سینه چاکشان، بالا رفتن دستمزد را عامل این تورم اعلام می‌نمایند و می‌گویند اگر دستمزدها زیاد افزایش پیدا کند قیمت کالاها و خدمات گران‌تر می‌شود. با یک حساب و کتاب ساده در هر



پس اگر حتی دستمزد همه مزدبگیران سه برابر هم شود و گرفتار تعویق و تاخیر هم نشود، باز هم نقدینگی در دست مزدبگیران نسبت به کل نقدینگی جاری در جامعه به قدری ناچیز است که در بدترین شرایط ممکن است کمتر از دو درصد به این تورم افسار گسیخته بیفزاید.

تورم، رکود و یا هر بیماری اقتصادی دیگر، ناشی از روابط پذیرفته شده اقتصاد سرمایه‌داری است که کارگران نه با آن موافقت و نه در ایجاد این بیماری‌های اقتصادی نقشی دارند

و... خلاصه آنقدر آه و ناله می‌کنند که بسیاری از کارگران باور می‌کنند که "نداری آنها" همانند "نداری خودشان" است.

اما این کارگران غافلند از این که آنان با حقوق و دستمزد پرداخت نشده کارگران با سرمایه‌گذاری در بازار بورس، یا نگه داشتن پول در بانک و گرفتن بهره آن، همچنان بر دارایی‌ها و حساب‌های بانکی خود می‌افزایند. این نقدینگی‌هاست که یکی از عوامل اصلی تورم و گرانی محسوب می‌شود.

راستی چرا ما مزد و حقوق‌بگیران نباید بهره‌دیرکرد حقوق‌مان را دریافت کنیم؟ در حالی که اگر یک روز اقساط بانک‌مان عقب بیافتد و یا یک ماه هزینه برق و آبمان را نپردازیم باید حتماً جریمه شویم؟

پرداخت به موقع دستمزدها، پرداخت فوری حقوق‌های معوقه به علاوه دیرکرد آن خواست همه‌ی مزد و حقوق‌بگیران است.

کارگران نیز به طرق مختلف به این شرایط اعتراض می‌کنند. به شکل فردی و یا اعتراض جمعی. یک بررسی تاریخی کوتاه به ما نشان می‌دهد که کارگرانی که به طور جمعی اعتراضاتشان را بیان کرده‌اند بیشتر به خواسته‌هایشان رسیده‌اند.

حقوق‌های معوقه

در سال‌های اخیر مرتب اخبار اعتراضات کارگرانی را می‌خوانیم که حقوقشان برای ماهها عقب افتاده است و برای گرفتن حق خودشان که باید قبل از خشک شدن عرقشان پرداخت می‌شد، به خیابان می‌آیند تا شاید به زور فریاد یک صدایشان بتوانند حقشان را دریافت کنند. اعتراضاتی که بسیار ی اوقات به نتیجه مناسبی می‌رسد.

آیا از خود پرسیده‌اید که چرا هزاران کارگر با حقوق‌های معوقه و پرداخت نشده روبرو هستند؟ چرا هیچ‌گاه حقوق‌های چند ده یا چند صد میلیونی مدیران عقب نمی‌افتد؟

کارفرمایان و صاحبان شرکت‌ها می‌گویند "نقدینگی نداریم"، "اوضاع بازار خراب است"،

تک برگی‌ها، مسایل و مشکلات ما کارگران را بیان می‌کند. امید است گام نخستینی باشند برای

یافتن راه حلی برای این مشکلات، که تنها به نظر، غیرقابل حل، می‌نمایند. کارگران متشکل

قادر به حل تمام مشکلات هستند.